

خورشید پنهان

رضا برنجکار

لازمه معرفت و اطاعت از خدا، شناخت برگزیدگان او و پیروی از آنان است. خداوند برای نشان دادن راه عبادت و اطاعت با تك تك انسان‌ها سخن نگفته، بلکه پیامبران و امامان معصوم(ع) را برگزیدگان و جانشینان خویش در میان مردم معرفی کرده است. امام باقر(ع) می‌فرماید:

همانا کسی خدا را عبادت می‌کند که به او معرفت داشته باشد... مراد از معرفت خدا، تصدیق خدا و رسولش و پیروی از علی(ع) و امام دانستن او و سایر امامان هدایت و برائت از دشمنان آنها است و خدا، این‌گونه شناخته می‌شود. ۱

ایشان در تفسیر فطرت فرمود:

فطرت عبارت است از: «لا اله الا الله، محمد رسول الله(ص) و علی امیر المؤمنین» ۲

یعنی استمرار قلمرو توحید تا امامت.

حضرت سیدالشهدا(ع) در میان اصحابشان فرمودند:

خداوند بندگانش را نیافرید، مگر برای این‌که او را بشناسند، پس وقتی او را شناختند، عبادتش می‌کنند و وقتی چنین شد، از بندگی غیر او بی‌نیاز می‌شوند. در این هنگام فردی پرسید: شناخت خدا چیست؟ حضرت فرمود: عبارت است از شناخت اهل هر زمانی، امام خودشان را که اطاعتش واجب است. ۳

در کتاب‌های حدیثی شیعه و سنی نیز روایتی متواتر و قطعی، با تعبیرهای مختلف بدین گونه نقل شده است:

پیامبر خدا(ص) فرمودند: هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است. ۴

در زمان جاهلیت، مردم، خدا و پیامبرش را نمی‌شناختند و گمراه بودند. بنابراین، کسی که امام زمانش را نشناسد، در واقع به خدا و رسول او معرفت ندارد و اگر در این حال از دنیا برود، گمراه مرده است.

در روایتی - پس از نقل حدیث مذکور - راوی، تفسیر مرگ جاهلیت را از امام صادق(ع) سؤال می‌کند، امام می‌فرماید:

گمراهی، بی‌دینی، دورویی و تباهی است. ۵

بنابراین برای شناخت خدا و پیامبر(ص) و رهایی از کفر، نفاق، گمراهی و راهیابی به مسیر هدایت و بندگی خدا، شناخت امامان، به ویژه امام زمان(ع) لازم و ضروری است.

امام صادق(ع) فرمود:

کمترین مقدار معرفت امام، این است که (بدانی) امام، هم طراز پیامبر(ص) و وارث اوست، مگر در نبوت. پیروی از امام، اطاعت خدا و پیامبر خدا(ص) است و باید در هر کاری تسلیم او بوده، حکم کارها را از او بخواهیم و از فرمانش پیروی کنیم. ۶

دو ویژگی مهم امامان معصوم(ع)

الف (امامان واسطه فیض کمالات وجودی‌اند و اکثر متفکران الهی - اعم از عارفان، فیلسوفان و متکلمان - به گونه‌ای به وجود واسطه فیض میان خدا و جهان معتقدند. در احادیث، معصومان و امامان(ع)؛ واسطه فیض خدا محسوب شده‌اند.

علامه مجلسي مي گويد:

اکثر مطالبی که فلاسفه درباره عقول اثبات کرده‌اند، در احادیث متواتر، به گونه‌ای دیگر برای ارواح معصومان(ع) اثبات شده است. برای مثال، ارواح معصومان(ع) قبل از مخلوقات آفریده شده و علت غایی خلقت و میانجی در افاضه علوم و معارف و به طور کلی واسطه فیض در کلمات وجودی و معرفتی‌اند! ۷.

در «زیارت جامعه کبیره»، خطاب به امامان(ع) آمده است:

خدا با شما شروع و ختم می‌کند. به واسطه شما باران نازل می‌شود و شما باعث می‌شوید که آسمان بر زمین فرو نریزد. غم و اندوه و گرفتاری‌ها با شما رفع می‌گردد. ۸.

امام صادق(ع) می‌فرماید:

ما خزائن خداییم و به واسطه ما، درختان میوه می‌دهند، رودها جاری می‌شوند و باران از آسمان می‌بارد. ۹.

همچنین در احادیث آمده است:

اگر زمین لحظه‌ای بدون امام باشد، ویران و نابود خواهد شد. ۱۰.

ب) امامان واسطه فیض هدایت الهی‌اند. در آیه ۶۹ سوره زمر می‌خوانیم:

... و زمین [در آن روز] به نور پروردگارش روشن می‌شود ...

در زیارت جامعه، آمده است:

زمین با نور شما امامان، می‌درخشد. ۱۱.

نتیجه این که امامان، نور خدا در زمین‌اند. از همین روایاتی که در آن‌ها نور یا نور خدا به کار رفته، در احادیث به امامان تفسیر شده است. ۱۲ نور الهی کنایه از هدایت الهی است:

سلام بر امامان هدایت و چراغ‌های روشن‌گر و تاریکی‌ها... سلام بر دعوت کنندگان به سوی خدا... و آشکار کنندگان امر و نهی خدا... کسی که خدا را بخواد، از شما شروع می‌کند و موحد، توحید را از شما گرفته است. کسی که هدفش خدا باشد، به وسیله شما به او می‌رسد... با دوستی و همراهی شما، خداوند ما را با دین خود آشنا کرده است. ۱۳.

خورشید پنهان

نقش امام در عصر غیبت چیست و مردم چگونه از وجود مقدس امام عصر(ع) بهره‌مند می‌شوند؟

اصحاب امامان(ع) بارها این سؤال را مطرح کرده‌اند و پاسخ آن بزرگواران، از جمله حضرت حجت(ع) از طریق نایب خاص، به دست ما رسیده است:

همان گونه که از خورشید استفاده می‌شود، در آن هنگام که پشت ابرها قرار می‌گیرد. ۱۴.

خورشید در مرکز منظومه شمسی قرار دارد و سیاره‌های آن، از جمله کره زمین به گرد آن می‌چرخد. خورشید با نیروی جاذبه‌ای که بر سیاره‌هایش وارد می‌کند، از پرتاب آن‌ها در اثر نیروی گریز از مرکز، جلوگیری می‌کند و کرات را در مدارهای منظم و بر گرد خود نگه می‌دارد. از سوی دیگر، حرارت و نور خورشید باعث روئیدن گیاهان و در نتیجه حیات حیوانات و انسان می‌شود و در اثر آن، روز و شب پدید می‌آید و به زندگی انسان نظم خاصی می‌دهد. بنابراین، تمام نعمت‌هایی که در این جهان وجود دارد، از مجرای خورشید به ما می‌رسد، خواه ظاهر باشد و خواه در

پشت ابرها قرار گیرد. البته، خورشید در لحظه ظهور و نورافشانی، خواص و آثاری دارد که در لحظه پنهان شدن آن، وجود ندارد.

همة این مطالب درباره امام عصر(ع) نیز صادق است. او واسطه فیض نعمت‌های الهی است و نور وجود، علم و هدایت از طریق او به انسان‌ها می‌رسد. اما غیبت امام عصر(ع) باعث محروم شدن از فیض حضور و بهره‌مندی بیشتر از حضرتش می‌شود؛ همان‌گونه که هنگام پنهان شدن خورشید، مردم در انتظار بیرون آمدنش هستند، در زمان غیبت نیز دوستداران و پیروان آن امام(ع) در انتظار ظهور مقتدای خویش‌اند.

بایسته‌ها در عصر غیبت

وظایف مسلمانان در عصر غیبت، آموختن و عمل کردن به معارف و احکام الهی در جامعه است؛ به دیگر سخن، وظایف ما، تعلم، تبلیغ و اجرای دین است و مقدمات این امور، همچون فراگیری علوم و فنون مختلف نیز از بایسته‌ها خواهد بود. در این جا وظایف مسلمان‌ها در عصر غیبت را برمی‌شمریم:

1. درخواست معرفت امام عصر(ع) از خدا: هنگامی که امام صادق(ع) درباره غیبت مهدی موعود(ع) سخن می‌گفت، زراره پرسید: اگر من زمان غیبت را درک کنم، چه وظیفه‌ای دارم؟ حضرت فرمود: این دعا را بخوان:

خدایا خودت را به من بشناسان که اگر خود را به من معرفی نکنی، پیامبرت را نمی‌شناسم. خدایا! معرفت و شناخت پیامبرت را به من ببخش، که اگر پیامبر خود را به من معرفی نکنی، حجت تو را نمی‌شناسم. خدایا! حجت خود را به من بشناسان، که اگر حجت خود را به من معرفی نکنی، از دین خود گمراه می‌شوم. ۱۵

از این دعا، نکته‌های بسیاری می‌توان استنباط کرد:

اول این که، در عصر غیبت باید معرفت خدا و رسول و امام را از خدا خواست و نباید به علوم و اطلاعات خود درباره خداشناسی و پیامبرشناسی و امام‌شناسی بسنده کرده، خود را از عنایات خدا مستغنی دانست، بلکه در هر حال باید به خدا توکل کرده، خود را از عنایات خدا مستغنی دانست، بلکه در هر حال باید به خدا توکل کرد و از او معرفت خواست.

دوم این که، لازمة شناخت خدا، شناخت پیامبر و لازمة شناخت پیامبر، شناخت امام و حجت است. بنابراین، اگر امام عصر(ع) شناخته نشود، پیامبر و خدا نیز به درستی شناخته نشده، انسان در گمراهی و ضلالت خواهد بود. اصولاً شناخت خدا، پیامبر و امام، پایه و اصول دین است و تمام معارف و احکام دیگر، بر اساس همین اصول شکل می‌گیرند.

2. تسلیم در برابر امام زمان(ع): امام باقر و صادق(ع) می‌فرمایند:

بنده، مؤمن نخواهد بود مگر آن‌که خدا و رسول او و همة امامان و امام زمان خود را بشناسد [حکم کارهایش را] به امام زمان ارجاع دهد و تسلیم ایشان باشد. ۱۶

اسحاق - پسر یعقوب - در عصر غیبت صغری، از طریق محمد پسر عثمان عمری، نایب خاص امام عصر(ع)، نامه‌ای برای حضرت فرستاد و در آن مشکلات خود را مطرح کرد. امام(ع) در پاسخ چنین نوشتند:

اما در حوادثی که رخ می‌دهد باید به روایان حدیث ما مراجعه کنید. زیرا آنان حجت من، بر شمایند و من حجت خدا، بر آنانم. ۱۷

امام خمینی(ره) در توضیح این حدیث، «روایات احادیث...» را همان «فقها» دانسته‌اند:

امروز فقهای اسلام حجت بر مردم هستند، همان طوری که حضرت رسول(ص) حجت بود... ۱۸

لازمة تسلیم شدن در برابر امام عصر(ع) استفاده از احادیث امامان و تفقه در آن، برای کسب معارف اعتقادی و احکام عملی است و اگر اجتهاد در احکام عملی مقدور نبود، باید از فقها و مراجع، تقلید کرد، هم چنین باید از فقیه عادل و حاکم (ولی فقیه) تبعیت نمود.

3. محبت به امام عصر (ع): پیامبر اکرم (ص) در معرفی مهدی موعود (ع) می‌فرماید:

هر کس دوست دارد خدا را ملاقات کند، در حالی که ایمانش کامل و اسلامش نیکو باشد، پس دوست‌دار حضرت حجت صاحب‌الزمان منتظر باشد. ۱۹

بنابراین، ایمان با محبت و ولایت امام عصر (ع) کامل می‌شود و یکی از وظایف ما، دوستی او و تقویت آن در قلبمان است.

4. پیاد امام عصر (ع): از آثار شناخت امام زمان و محبت به او، یاد کردن ایشان است. اگر به کسی علاقه زیادی داشته باشیم، همیشه به یادش خواهیم بود و می‌کوشیم به هر مناسبتی از او یاد کنیم و سخنانش را نقل کنیم. روایت شده است که وقتی امام موسی بن جعفر (ع) از امام غایب، نعمت باطنی خدا یاد کردند، فرمود: پرسید: آیا از امامان کسی غایب می‌شود؟ امام فرمود:

بله، شخص او از دیدگان مردم غایب می‌شود، ولی یاد او از دل‌های اهل ایمان نماند و او دوازدهمین نفر از ما است. ۲۰

5. احساس حضور: امامان بر اعمال و احوال موجودات جهان، به خصوص مؤمنان، آگاهی و نظارت دارند. امام علی (ع) می‌فرماید:

هیچ مؤمنی در شرق و غرب زمین، از ما غایب نیست. ۲۱

امام زمان (ع) در توفیق مبارکشان به شیخ مفید (ره) فرمود:

ما به آنچه بر شما می‌گذرد، احاطه علمی داریم، و اخبار هیچ یک از شما بر ما پوشیده نیست... ما در رعایت حال شما اهمال نکرده، شما را فراموش نمی‌کنیم و اگر این گونه نبود، سختی‌ها بر شما نازل می‌شد و دشمنان، شما را مستأصل می‌کردند. ۲۲

وقتی که امام عصر (ع) از وضعیت مؤمنان آگاه بوده، آن‌ها را مورد عنایت خاص خویش قرار می‌دهد، مؤمنان نیز باید او را در میان خود بدانند و حضور و توجه آن حضرت را احساس کنند. امام سجاد (ع) فرمود:

همانا اهل زمان غیبت حضرت امام مهدی (ع) که به امامتش معتقدند و در انتظار ظهورش هستند، از مردم همه زمان‌ها بهترند، زیرا خداوند چنان عقل و فهم و معرفتی به آنان عنایت فرموده، که غیبت برای آن‌ها به منزله دیدن حضور وی است. ۲۳

6. انتظار: اگر کسی امام غایب را شناخت، به او عشق ورزیده، او را منجی بشر دانست و به ظهورش پس از غیبت آگاه شد، حتماً در انتظار فرج و ظهورش خواهد بود.

در احادیث گوناگون، انتظار فرج، برترین عمل و عبادت امت اسلامی معرفی شده و فضیلت‌های زیادی برای آن بیان گردیده است. ۲۴

امام صادق (ع) می‌فرماید:

هر کس از شما بمیرد، در حالی که منتظر ظهور امام عصر (ع) باشد، مانند کسی است که با حضرت قائم (ع) در خیمه ایشان باشد.

آن حضرت پس از لحظه‌ای درنگ، فرمود:

نه، بلکه مانند کسی است که همراه آن حضرت شمشیر بزند.

آن‌گاه ادامه داد:

نه، قسم به خدا مانند کسی است که همراه پیامبر خدا(ص) شهید شده است. ۲۵

7. دعا برای تعجیل فرج: کسی که در انتظار فرج مولایش به سر می‌برد، از خدا تعجیل فرج او را خواهد خواست، به ویژه اگر بداند آن حضرت نیز خواهان ظهور و برپایی حکومت عدل است و از خدا می‌خواهد، تا اذن ظهورش را صادر فرماید.

روایت شده که آن حضرت از خداوند چنین طلب می‌کند:

خدایا و عده‌ای را که به من داده‌ای، عملی ساز و امر مرا به اتمام برسان و گام‌هایم را استوار گردان و زمین را به وسیله من پر از عدل و داد کن. ۲۶

دعا برای تعجیل فرج امام زمان(ع) سنتی بوده که دیگر امامان نیز به آن عمل می‌کردند. ۲۷ امام عصر(ع) نیز از ما خواسته، تا برای تعجیل فرجش دعا کنیم:

برای تعجیل فرج، زیاد دعا کنید، زیرا همین، فرج و گشایش شما است. ۲۸

برگرفته از: گفتن مهدویت، سخنرانی‌ها و مقالات گفتن چهارم.

1. شیخ کلینی، کافی، ج ۱.

2. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۵۵.

3. شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۹، باب ۹، ح ۱.

4. همو، کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۰۹، ح ۹.

5. شیخ کلینی، همان، ج ۱، ص ۳۷۷، ح ۳.

6. خزاز قمی، علی بن محمد خزاز قمی، کفایة‌الاثر، ص ۲۶۳، علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴، ص ۵۵، باب ۵، ح ۳۲.

7. علامه مجلسی، همان، ج ۱، ص ۱۰۳.

8. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۲، ص ۲۷۶، ح ۱.

9. شیخ کلینی، همان، ج ۱، ص ۱۴۴، ح ۵.

10. همان، ص ۱۷۹، ح ۱۰.

11. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۲، ص ۲۷۶، ح ۱.

12. شیخ کلینی، همان، ج ۱، ص ۱۹۴، ح ۱.

13. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا(ص)، ج ۲، ص ۲۷۳، ح ۱.

14. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۰۷، باب ۲۱، ح ۲۲.

15. شیخ کلینی، همان، ج ۱، ص ۲۳۷، ح ۵.

16. همان، ص ١٨٠، ح ٢.
17. شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمة، ج ٢، ص ٢٨٤، باب ٤٥، ح ٤.
18. امام خميني(ره)، ولايت فقيه، ص ٩٢.
19. علامه مجلسي، بحار الانوار، ج ٣٦، ص ٢٩٦، باب ٤١، ح ١٢٥.
20. شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمة، ج ٢، ص ٣٦٨، باب ٣٤، ح ٦.
21. محمد بن حسن فروخ صفار، بصائر الدرجات، ص ٢٦٠، باب ١٦، ح ١.
22. شيخ طبرسي، احتجاج، ج ٢، ص ٣٢٣.
23. شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمة، ج ١، ص ٣٢٠، باب ٣٢، ح ٢.
24. ك. علامه مجلسي، همان، ج ٥٢، ص ١٢٢، باب ٢٢.
25. احمد بن ابي عبدالله برقي، المحاسن، ج ١، ص ١٧٤، باب ٣٨، ح ١٥١.
26. شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمة، ج ٢، ص ٤٢٨.
27. علامه مجلسي، همان، ج ٩٨، ص ١٥٨.
28. شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمة، ج ٢، ص ٤٨٣، باب ٤٥، ح ٤.